

سخنان پرواسرائیلی و لابی‌گری رضا پهلوی!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

رضا پهلوی، روز جمعه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۳، در کنفرانس ملی «شورای اسرائیلی-آمریکایی» (IAC) که در «هتل هیلتون» واشنگتن برگزار شد، دومین سالگرد سرکوب مردم ایران در جریان جنبش «زن، زندگی، آزادی» و اولین سالگرد قتل حمله حماس به اسرائیل و کشتن و ربودن تعدادی اسرائیلی در هفتم اکتبر سال ۲۰۲۳ را به هم پیوند داد و ادعا کرد که که کشورها، ملت‌ها و حتی تمدن بشری در «لبه یک پرتگاه تاریخی» قرار گرفته است.

او ادعا کرد که آن‌ها (منظورش مردم ایران) مرا با پیامی به این‌جا فرستاده‌اند: آن‌ها نه تنها برای آزادی خود، بلکه برای آزادی خاورمیانه و جهان از شرّ این رژیم واپسگرا مبارزه می‌کنند. آنان را تنها نگذارید وقتی که آن‌ها به‌خاطر همه ما با جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند!

سئوال این است که رضا پهلوی از سوی کدام «مردم» به این کنفرانس فرستاده تا پیام آن‌ها به گوش شرکت‌کنندگان در آن برساند؟ او جنبش «زن، زندگی، آزادی» را به حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل نسبت داد. او ادعا کرد که «با این حال، این دو سالگرد وحشتناک که در بین آن‌ها قرار داریم، رویدادهای جدا از هم نیستند.» حالا ربط این دو واقعه به هم چیست و چگونه و با چه هدفی آن‌ها به همدیگر ربط داده می‌شوند روشن نیست؟

ساعاتی پیش از سخنرانی رضا پهلوی در این کنفرانس، دونالد ترامپ کاندیدای ریاست جمهوری و رئیس جمهوری پیشین آمریکا سخنرانی داشت. او تأکید کرده که می‌داند جمهوری اسلامی منشأ همه بی‌ثباتی‌ها در منطقه است و هشدار داد در صورت پیروزی کاملاً هریس در انتخابات، خطر دست‌یابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی افزایش پیدا می‌کند. تب ترامپ هم در نزد رضا پهلوی و هوادارانش بسیار بالاست و حتی در آمریکا، کمیته حمایت از او نیز تشکیل داده‌اند. به گزارش انترنشنال، گروهی از شهروندان ایرانی-آمریکایی روز سه‌شنبه ۱۳ شهریور، با انتشار بیانیه‌ای از آغاز به کار «کمپین ایرانیان برای ترامپ» خبر دادند و گفتند که این کمپین با هدف سازمان‌دهی جامعه ایرانی-آمریکایی در حمایت از دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شکل گرفته است.

در بیانیه این گروه گفته شده است: «به باور ما، سیاست‌ها و رهبری قدرتمند ترامپ، آمریکا و جهان را امن‌تر، جمهوری اسلامی را ضعیف‌تر و مردم ایران را در مبارزه برای بازپس‌گیری کشورشان قوی‌تر می‌کند.» در این بیانیه گفته شده است: «این کمپین با هدف توانمندسازی و سازمان‌دهی رای‌دهندگان ایرانی-آمریکایی برای حمایت از رهبری قاطع دونالد ترامپ و سیاست‌های او که با ارزش‌ها و اولویت‌های مبارزان ایرانی هم‌خوانی دارند، پایه‌گذاری شده است.»



نسیم بهروز و رضا پهلوی

نسیم بهروز سخن‌گوی این کمپین است. گفته می‌شود وی دبیر دفتر «نشر تاریخ پهلوی» در حزب «ایران نوین» است. این حزب را گروهی سلطنت‌طلب راه‌اندازی کرده‌اند. حزب ایران نوین - INP - حزبی است ایرانی که در زمستان سال ۱۴۰۱ توسط عده‌ای در شبکه فرشگرد و دیگر هواداران سلطنت‌طلب تشکیل شده است. حزب ایران نوین نام خود را از حزبی با همین عنوان می‌گیرد که در سال ۲۵۲۲ شاهنشاهی (۱۳۴۲ خورشیدی) توسط حکومت شاه بنیان گذاشته شده بود.

رضا پهلوی در بخش دیگری از سخنان خود درباره اقدام جهت سپردن جمهوری اسلامی به زیالهدان تاریخ گفت: «این امر مستلزم رهبری در ایالات متحده، اسرائیل و یک شریک ایرانی است...»

سئوال این است که از کی تا حالا دولت ایالات متحده آمریکا و دولت اسرائیل و یک شریک آن‌ها، یعنی خود رضا پهلوی، نماینده و قیم مردم ایران و آزاید مردم ایران شده‌اند؟ این دولت‌ها، کارنامه سیاسی در سرکوب جنبش‌های اجتماعی و تروریسم و جنگ‌طلبی دارند؟ حدود یک سال است که دولت و ارتش اسرائیل با حمایت همه‌جانبه دولت آمریکا، بیش از چهل هزار تن از مردم فلسطینی

غزه را قتل عام کرده‌اند که بیش‌تر آن‌ها زن و کودک و غیرنظامی هستند. دو میلیون سیصد هزار شهروند غزه از خانه و کاشانه‌شان رانده شده‌اند و با قطعی و گرسنگی و بیماری در کمپ‌ها و دشت و بیابان به سر می‌برند. خانواده‌های آن‌ها را ویران کرده‌اند و حتی بیمارستان‌ها، مدارس، منابع آب و برق و... را نابود کرده‌اند. با این وجود، رضا پهلوی در این سخن‌رانی نسبتاً طولانی خود، حتی یک‌بار و غیرمستقیم هم شده به نسل‌کشی مردم فلسطین توسط دولت و ارتش اسرائیل اشاره نکرده و همواره به تعریف و تمجید از اسرائیل پرداخت.

او ادعا کرد که «با این حال، در مواجهه با این موضوع، ما شاهد همبستگی چشم‌گیر بین مردم ایران، آمریکا و اسرائیل بوده‌ایم. در راهپیمایی‌های پس از هفت اکتبر، در شهرهای سراسر جهان، مردم پرچم‌های شیروخورشید را که نماد کهن و جاودانه ایران است در کنار ستاره داوود به اهتزاز درآوردند.» در حالی که پرچم حکومت پهلوی و اسرائیل روز دوش تعدادی شاه‌الهی و ساواکی سابق و پرواسرائیلی حمل می‌شد و هیچ ربطی به اعتراض ایرانیان در سراسر جهان علیه جمهوری اسلامی ندارد.

رضا پهلوی در ادامه ادعاهای پوچ خود، باز هم مطرح کرد: «مردم ایران در کنار اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها ایستاده‌اند زیرا قبل از این که جمهوری اسلامی به سراغ شما بیاید، به سراغ ما آمده بود. تجربه ما یک تجربه مشترک است. ما مبارزه شما را می‌شناسیم.» مردم ایران کجا «در کنار اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها ایستاده‌اند» تنها و تنها رضا پهلوی و اطرافیان‌شان می‌دانند.

باز هم رضا پهلوی ادعا کرد که «دوستان من، شما در اسرائیل در محاصره هستید. از جنوب، از شمال، از شرق و از طرف غرب جنگ تبلیغاتی علیه شما در جریان است. همه این‌ها با هماهنگی، حمایت و هدایت جمهوری اسلامی انجام می‌شود.» اسرائیلی نوار غزه را با دو میلیون سیصد هزار نفر جمعیت نابود کرده است و اکنون لبنان را به تاخت و تاز خود تبدیل کرده است هرچند حماس و حزب الله سازمان‌های ارتجاعی هستند و از حمایت جمهوری اسلامی نیز برخوردارند اما آیا همه مردم غزه حماس و همه مردم لبنان هم حزب‌الله هستند؟

رضا پهلوی ادعا کرد که «دوستان من، در سال گذشته ایرانی‌ها و اسرائیلی‌ها با همبستگی کنار هم ایستادند اما همبستگی دیگر کافی نیست. اکنون زمان آن فرا رسیده است که بیش‌تر از ایستادن در کنار هم دست به اقدام بزنیم؛ زمان آن است که دست در دست هم عمل کنیم. همان‌طور که با هم در برابر این پرتگاه ایستاده‌ایم؛ پرستی که امروز در برابر شما قرار داده است: آیا آماده انجام اقداماتی بیش از ایستادن در کنار هم هستید؟ آیا آماده‌اید با هم عمل کنید؟»

از رضا پهلوی باید پرسید اسرائیلی‌ها ر کجا در کنار ایرانیان ایستاده بودند چرا واقعیت‌ها را تحریف می‌کند؟ اسرائیلی‌ها جیب‌های رضا پهلوی را پر کرده‌اند تا این حرف‌ها را بزنند. این فراخوان رضا پهلوی رسمل به دولت اسرائیل است که مانند فلسطین به ایرن هم حمله کنند تا اید با سرنگونی جمهوری اسلامی، ویران کردن ایرن و کشتار مردم یب‌گناه رضا پهلوی را به قدرت برسانند. حنایت‌هایی که آمریکا و متحدینش در لیبی، عراق، افغانستان و... مرتک شدند و دهه‌هاست که مردم این کشورها را به خاک سیاه نشانده‌اند.

او م‌گوید: «آن‌چه ما در این شراکت نیاز داریم فراتر از عکس گرفتن و تجمع و پست‌های رسانه‌های اجتماعی است. آنچه ما نیاز داریم یک کمپین مشترک و هماهنگ است. ما باید فشار حداکثری را علیه جمهوری اسلامی از سر بگیریم...» بلافاصله می‌افزاید: «این امر مستلزم رهبری در ایالات متحده، اسرائیل و یک شریک ایرانی است. خانم‌ها و آقایان، من این‌جا هستم تا این شراکت را به شما ارائه دهم و به‌عنوان یک شریک در صلح دست خود را به سوی شما دراز کنم.»

رضا پهلوی هم در ابتدا و هم در انتاس سخنانش از آمیک و اسرائیل می‌خواهد که او را شریک خود بدانند. در واقع همان نقشی که حماس و حزب‌الله و حوثی‌های یمن و شیعیان عراق به‌مثابه نیروهای نیابتی در همکاری با جمهوری اسلامی ایفا می‌کنند رضا پهلوی هم در تلاش است همین نقش را در رابطه با دولت‌های آمریکا و اسرائیل درباره ایران ایفا کند اما بدشانسی رضا پهلوی این‌جاست که او ۴۵ سال است کسب و کار اصلی‌اش تجارت و پول‌گرفتن از سازمان‌های سیا و موساد با نوستالژی بیمارگونه احیای حکومت ۴۵ سال پیش است. حکومتی که مردم ایران آن را در انقلاب ۵۷ خود، به گورستان تاریخ فرستادند اما در ادامه راه خود برای رسیدن به آزادی و برابری و عدالت اجتماعی، توسط نیروهای مذهبی به رهبری خمینی، سرکوب شدند و از حرکت باز ماندند. و... این وارث تاج و تحت پادپاهیدر ایران، نه لشکری پشت سرش است و نه نیروی جدی. نیروی او، تعدادی ساواکی و نظامی سابق بازنشسته و از کار افتاده با یک سری شعبان‌بی‌مخ‌ها و نفوذی‌های جمهوری اسلامی، همانند یک گروه شکسته‌خورده و زمین‌گیر شده هستند. بدشانسی رضا پهلوی در این است که در ایران، طرفدار چندان‌ی ندارد و اصولاً آمریکا و اسرائیل هم روی یک گروه شکست‌خورده سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و احیانا از رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان، صرفاً به‌عنوان اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند.

«رضا پهلوی» در ادری‌بش‌هت ماه ۱۴۰۲ به تل‌آویو، سفر کرده بود. رسانه‌ها و کاربران سلطنت‌طلب در واکنش به این سفر، عمدتاً به انتشار اخبار و تصاویر و ویدئوهای آن همراه با تجلیل و تمجید پرداختند.

سلطنت‌طلب‌ها به‌شکل مسخره و طنزآمیزی دغدغه‌های زیست‌محیطی و تلاش پهلوی برای نجات ایران از «بحران آبی» را یکی از دلایل مهم او از سفر به تل‌آویو عنوان می‌کردند، انگار ایشان به عنوان مسئول محیط زیست ایران به اسرائیل سفر کرده بود؟ روشن نیست رضا پهلوی چاره‌اندیشی برای «بحران آب» در ایران را از اهداف سفر خود به اسرائیل مطرح کرد و بر همین مبنا رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان بدون در نظر گرفتن این‌که چه رابطه‌ای میان اهداف سیاسی پهلوی با شکل و ریشه مسائل آبی ایران وجود دارد که نتانیا‌هو در اوج درگیری‌های داخلی می‌تواند از آن‌گره‌گشایی کند؟!

اما «دانیل شک»، سفیر اسبق دولت اسرائیل در فرانسه در تلویزیون اسرائیل در تحلیل سفر رضا پهلوی گفت: «نیروی مهمی در داخل ایران نمی‌شناسم که طرفدار بازگشت سلطنت باشد. رژیم شاه با یک انقلاب سرنگون شد که دلایل اقتصادی و اجتماعی داشت و در ایران مردم خواهان بازگشت به سلطنت نیستند.»

«ایران اینترنشنال» مدعی شد که این سفر مهم‌ترین دیدار «یک رهبر اپوزیسیون جمهوری اسلامی» طی ۴۴ سال گذشته با رهبر یک دولت خارجی دانست.



شاهزاده رضا پهلوی با انتشار عکسی کنار دیوار ندبه نوشت: «... با احترامی عمیق از دیوار ندبه بازدید و دعا کردم روزی برسد که ایران و اسرائیل بتوانند دوستی تاریخی‌شان را از سر بگیرند.»

در روند تحولات جنبش «زن، زندگی، آزادی» در ایران، گروه‌های سلطنت طلب با نفوذی‌ها جمهوری اسلامی، انواع و اقسام ترفندها را علیه تظاهرات‌های نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور راه انداختند.

اما مهم‌ترین اقدام آن‌ها، رونمایی از پرویز ثابتی بود. انتشار عکسی از یک جنایت‌کار به نام «پرویز ثابتی» در تظاهرات لوس آنجلس بود که گروه‌های سلطنت طلب سازمانده و برگزار کننده آن بودند. حضور «پرویز ثابتی» در اجتماع سلطنت طلبان لوس آنجلس، از آن جهت خبرساز شد که او در حکومت سلطنت پهلوی یکی از بلندپایه‌ترین مقامات امنیتی این حکومت دیکتاتور بود، که نقش تعیین کننده‌ای در تهدید، پرونده‌سازی، سرکوب، شکنجه و قتل صدها تن از مخالفین سیاسی شاه داشت. از جمله اقدامات وحشیانه او، تیرباران ۹ تن از زندانیان سیاسی زمان شاه (هفت فدایی و دو مجاهد) از جمله رفیق بیژن جزنی بود که در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۵۴ در تپه‌های اوین تیر باران شدند.

با رونمایی پرویز ثابتی، این مخوف‌ترین چهره امنیتی ساواک در گردهمایی سلطنت طلبان لوس آنجلسی، بار دیگر موضوع دادخواهی، لغو شکنجه و اعدام و هم‌چنین محاکمه همه شکنجه‌گران و آدم‌کشانی که در دو حکومت پادشاهی و جمهوری اسلامی مرتکب قتل و کشتار و شکنجه شده‌اند، به یکی از خواسته‌های مهم توده‌های مردم ایران و همه آزادی‌خواهانی تبدیل شد که برای لغو شکنجه و اعدام و سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی ایران، مبارزه می‌کنند. چرا که بر اساس قوانین سازمان عفو بین‌الملل، «شکنجه، ناپدید سازی قهری و کشتار زندانیان از جمله جنایت علیه بشریت» هستند و کسانی که مرتکب سهمگین‌ترین جنایات قابل تصور می‌شوند، باید دستگیر و محاکمه شوند. چرا که جنایت علیه بشریت، هرگز شامل مرور زمان نمی‌شود و بحث دادخواهی نیز در طی چند دهه گذشته، همواره یکی از بحث‌های مهم و پیگیر خانواده‌های دادخواه و همه نیروهای آزادی‌خواه و عدالت‌جو بوده است.

یاسمین پهلوی و همسرش رضا پهلوی، هنوز کاره‌ای نیستند اما از هم‌اکنون بی‌شرمانه خواهان کشتن انقلابیون چپ و مجاهد سال ۵۷ هستند؟ به نظر می‌رسد در تقسیم کار بین حلقه مرکزی و نزدیک‌تر سیاسی رضا پهلوی، یاسمین پهلوی و پرویز ثابتی، مردم شماره دوی پلیس مخوف حکومت شاه (ساواک)، وظیفه سازمان‌دهی شعبان بی‌مخ‌ها و چماقداران سلطنت طلب را به عهده دارند.

در حالی که در این ۴۵ سال، یاسمین پهلوی و همسرش رضا پهلوی و به‌طور کلی خانواده پهلوی و نزدیکان‌شان با مبالغه‌های هنگفت میلیاردی در ناز و نعمت زندگی کرده‌اند و تمام و تفریح‌گاه‌ها و هتل‌های لوکس و معروف جهان می‌شناسند که از اموال عمومی ایران غارت کرده‌اند و در سال ۵۷ از ایران خارج کرده‌اند. از جمله اموال «بنیاد پهلوی» که در دوره حاکمیت محمدرضا پهلوی میلیاردی دلار سرمایه‌گذاری در داخل و خارج ایران داشت و در این ۴۵ سال همه این ثروت‌های بادآورده‌ی خانواده پهلوی مانند خانواده‌های آقازاده‌ها جمهوری اسلامی، حتی یک روز هم برای به دست آوردن این ثروت‌های هنگفت زحمت نکشیده‌اند.

به این ترتیب، یکی از مواردی که همواره مورد بحث بسیاری از مخالفان خاندان پهلوی بوده، مشخص نبودن شغل و راه درآمد رضا پهلوی و به‌طور کلی خانواده پهلوی است. تاکنون رضا پهلوی نه تنها نتوانسته با جواب خود منتقدین را اقناع کند بلکه به میزان مخالفت‌ها و شبهات بیش از پیش افزوده است. او در پاسخ به سؤال خبرنگار رادیو فردا در رابطه با شغل و راه‌درآمدش، گفته است «در واقع شغل من در این سال‌ها، مبارز سیاسی بوده است.»

رضا پهلوی، هم‌چنین در پاسخ به این سؤال که آیا از این راه درآمدی دارد یا به‌طور کلی راه درآمد خود و خانواده‌اش چیست اظهار کرد: «مبارزه سیاسی درآمدی ندارد. من خوشبختانه با کمک خانواده‌ام تا به حال توانسته‌ام زندگی‌ام را بگذرانم. هزینه‌های من و خانواده‌ام را هم‌میهنان و مادرم می‌دهد تا همه انرژی خود را برای مبارزه سیاسی بگذارم!»

براساس گفته‌های خود رضا پهلوی، آن چیزی که به‌طور مشخص، روشن است این است که او در طی ۴۵ سال گذشته، هیچ شغل و راه درآمدی نداشته و همین هم به گمانه‌زنی‌ها علیه او و خانواده‌اش افزوده است که چه‌طور یک خانواده چهل و چهار سال کار نکنند، اما از بهترین رفاه مالی، آن‌هم در آمریکا برخوردار باشند؟

رضا پهلوی، با چند نفر متوهم تلاش کردند تا جنبش «زن، زندگی، آزادی» را به «خود» منتسب کند. اما عمر این فرصت‌طلبی ۴۵ روز بیش‌تر دوان نیاور و از هم پاشید و سلطنت‌طلب‌ها به جان هم افتادند.

او در سال ۱۳۸۸ با حمایت از «اصلاح‌طلبان» حکومتی، گفته بود: «اگر آمریکا قصد تعامل با ایران را دارد باید بهترین گزینه را برای تعامل در ایران انتخاب کند که پیشنهاد من بهترین و شایسته‌ترین گزینه؛ «جنبش سبز» است. اگر آمریکا از جنبش سبز حمایت کند در حقیقت از جنبش مردم ایران برای به دست آوردن دموکراسی و حقوق بشر حمایت کرده است و این امر به غرب کمک خواهد کرد تا مسئله هسته‌ای ایران را نیز حل و فصل کند.»

رضا پهلوی در فروردین سال ۱۳۹۶، طی گفت‌وگویی با آسوشیتدپرس اعلام کرد که مایل به دیدار با دونالد ترامپ است. به ظن او، ترامپ یکی از کسانی بود که خواهان تغییر حکومت در ایران بوده؛ زیرا به اعتقاد او حکومت جمهوری اسلامی ذاتاً اصلاح‌پذیر نیست. رضا پهلوی سال ۱۳۹۸ را با جمله «من به نجات ایران ایمان دارم.» آغاز کرد. او ۲۴ آبان ۱۳۹۸ در صفحه توئیتری خود در واکنش به اعتراضات مردمی به سبب گران‌شدن بنزین، نوشت: «نظامی که با وعده مجانی کردن آب و برق بر سرکار آمد، نفت را برای حامیان غیر ایرانی‌اش و فقر رنج را برای ایرانیان رایگان کرده است. تنها راه چاره، برانداختن این فرقه تبه‌کار ضد ایرانی است.» پهلوی هم‌چنین در آذرماه همان سال با انتشار بیانیه‌ای گفت که «فروپاشی حکومت اسلامی قطعی است.»

به‌نظر من، گروه‌های سلطنت‌طلب در صف اپوزیسیون سرنگونی طلب جمهوری اسلامی نیستند و فراتر از آن در تلاشند تا حکومت سرنگون شده ۴۵ سال پیش را احیا کنند. بنابراین، رضا پهلوی و هوادارانش، صرفاً در لابی دولت‌ها به‌ویژه آمریکا و اسرائیل هویت پیدا می‌کنند نه در جامعه!

طبیعی‌ست که هر فرد و نیروی آزادی‌خواه و صلح‌دوست و ضدجنگ، مناقشه و جنگی که دولت سوریه، حزب‌الله لبنان، حماس، حوثی‌ها و شیعیان عراق با حمایت جمهوری اسلامی از یک‌سو و در سوی دیگر نسل‌کشی بی‌سابقه‌ای که ارتش و دولت اسرائیل با حمایت دولت‌های غربی و در راس همه دولت آمریکا، در منطقه بحران خاورمیانه راه انداخته‌اند را شدیداً محکوم می‌کنند و خواهان قطع فوری نسل‌کشی مردم فلسطین ساکن نواره غزه و لبنان می‌گردند. تجربه تاریخی نشان داده است که با جنگ و کشتار و نسل‌کشی نه تنها صلحی برقرار نمی‌شود بلکه کدورت و کینه و دشمنی و انتقام را تشدید می‌کند.

با آرزوی این که مردم منطقه به‌ویژه شهروندان اسرائیل و فلسطین از حاکمیت گرایش‌های مذهبی و فاشیستی اسرائیلی و فلسطینی و لبنانی رها شوند و در کنار هم در صلح و صفا و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز زندگی کنند.

تردیدی نیست جامعه ما در شرایط بسیار حساس و پر تحولی قرار دارد. سیر تحولات انقلابی در جهت سرنگونیمت حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی، روزه‌روز شتابی بیش‌تر می‌گیرد که راه ادامه‌کاری فریب و ریا و فرصت‌طلبی را به روی همه مدعیان دروغین آزادی و دادخواهی و انقلابی می‌بندد. شکل‌گیری این فضای سیاسی متلاطم، اگرچه در کوتاه‌مدت آسیب‌پذیر است و بی‌تردید موجب نگرانی‌های زیادی در جامعه است، اما در درازمدت و در صف‌بندی طبقاتی و نیروهای مدافع انقلاب اجتماعی و نیروهایی که در صدد هستند تا از بالای سر مردم بر اعتراضات آنان موج‌سواری کنند، مسیر ناهموار انقلاب صیق پیدا می‌کند و نیروهای فرصت طلب و سودجو به حاشیه رانده می‌شوند.

انقلابی که بدون شک، تمامی قاتلان و شکنجه‌گران دو حکومتی استبدادی و ضدانسانی شاه و شیخ را به‌دست عدالت خواهد سپرد! شنبه سی و یکم شهریور ۱۴۰۳- بیست و یکم سپتامبر ۲۰۲۴